



# هدایت تحصیلی و مجلات رشد

گفت‌و شنود دکتر علی اصغر احمدی در باب «مشاوره و هدایت تحصیلی» با حضور سردبیران مجلات رشد عمومی

بحث مهمی است. چون تمام دانش‌آموزانمان در نهایت باید وارد جامعه و شبکه اجتماعی شوند و در مشاغل و مناصب گوناگون و جایگاه‌های اجتماعی، جای خود را پیدا کنند.

شما تجسم کنید که دانش‌آموزان از مدرسه خارج می‌شوند و وارد این شبکه می‌شوند. اینکه ما راه آن‌ها را مشخص کنیم که کجا بنشینند و در چه جایگاهی قرار بگیرند، در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد. با همین هدایت تحصیلی - که الان در کلاس نهم اتفاق می‌افتد - اگر ما چرخه‌ای داشته باشیم که این هدایت درست صورت بگیرد تا هر آدمی با توجه به قابلیت‌ها، توانایی‌ها و استعدادهایش واقعاً در جامعه سر جای خودش بنشینند، در هدایت او موفق بوده‌ایم. این وضعیت را مقایسه کنید با وضعیتی که این توزیع غلط انجام بگیرد و هر کس در

مجلات رشد نمی‌توانند نسبت به دغدغه‌های کلان جامعه بی‌تفاوت باشند. دغدغه «هدایت تحصیلی» و هموار ساختن مسیر دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی که قطعاً با آینده تحصیلی و شغلی آنان گره خورده است، از جمله این مسائل است. به منظور تبیین این موضوع، نشستی با حضور دکتر علی اصغر احمدی، صاحب‌نظر و پیشکسوت در حوزه مشاوره و سردبیر مجله رشد آموزش مشاور مدرسه و سردبیران مجلات عمومی رشد در روز دهم خرداد ۱۳۹۵ برگزار شد.

علی اصغر احمدی: بحث هدایت تحصیلی از جمله مباحثی است که اگر به وسعت و گستردگی آن توجه داشته باشیم، می‌بینیم که به لحاظ «سرمایه انسانی»



رسیده و هنوز هم از طریق رئیس‌جمهور ابلاغ نشده است. در این نگاه، هدایت تحصیلی در انتخاب رشته خلاصه می‌شود. هدایت تحصیلی به معنای انتخاب رشته تلقی می‌شود و تمام کارهایی که در زمینه هدایت تحصیلی انجام می‌گیرد، این است که دانش‌آموزان بروند و رشته‌ای از شاخه‌های کلی نظری، حرفه‌وفن و کاردانش را انتخاب کنند و بعد از آن شاخه‌ها، زیرشاخه‌ها را انتخاب کنند. آیین‌نامه بر این اساس تدوین شده است.

ولی نگاه دیگری هم وجود دارد که من آن را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهم. من در تدوین این آیین‌نامه هم نقشی داشتم. من نگاه دیگری به هدایت تحصیلی دارم که آن را برای آموزش و پرورش بسیار ضروری‌تر می‌دانم. بر اساس این نگاه، بچه‌ها از ابتدایی که وارد مدرسه می‌شوند، باید گام به گام موانع تحصیلی‌شان و مشکلاتی که در زمینه تحصیل دارند، شناسایی شود و نظام آموزش و پرورش به برطرف کردن مشکلات آن‌ها کمک کند. مثلاً فرض کنید، دانش‌آموزی روش مطالعه بلد نیست و نمی‌داند چگونه مطالعه کند. هدایت تحصیلی باید بتواند دانش‌آموزان را از چنین دست‌اندازهایی عبور بدهد. مسائل عدیده‌ای در این زمینه وجود دارند. بعضی بچه‌ها انگیزه، اعتماد به نفس و عزت نفس خود را از دست می‌دهند. من هدایت تحصیلی را کمک برای عبور از این گردنه‌ها و گذرگاه‌ها می‌دانم.

در آیین‌نامه هدایت تحصیلی، به عنوان فرایند ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره آمده است که دانش‌آموزان، ضمن آشنایی با استعدادها، توانایی‌ها و علاقه‌های خویش، باید نیازهای جامعه را بشناسند و بر اساس آن به صورت آگاهانه شاخه و رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند. این سند هدایت تحصیلی را به عنوان ارائه خدمات راهنمایی

جایی بنشیند که شایستگی ندارد یا تناسبی بین جایگاه و شخص وجود نداشته باشد.

البته همه چیز هم به آموزش و پرورش مربوط نیست، ولی آموزش و پرورش در اینجا نقش بسیار مهمی دارد و توزیع نیروهای انسانی، عظمت کار، اهمیت آن و تأثیری که بر جامعه، تاریخ، علم و کشور دارد، بسیار مهم است. بر اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده، تا به حال هم توزیع موفق‌ی صورت نگرفته است. خب این یک ترسیم کلی از هدایت تحصیلی است که کوشیدم به صورت یک نگاه کلی مطرح کنم.

در مورد مفهوم هدایت تحصیلی دو نگاه داریم که از قدیم وجود داشته‌اند: که یکی از آن‌ها نگاه آموزش و پرورشی است. در مورد هدایت تحصیلی آیین‌نامه‌ای در اسفندماه در «شورای عالی آموزش و پرورش» به تصویب



احمدی: در آیین‌نامهٔ هدایت تحصیلی، به عنوان فرایند ارائهٔ خدمات راهنمایی و مشاوره آمده است که دانش‌آموزان، ضمن آشنایی با استعدادها، توانایی‌ها و علاقه‌های خویش، باید نیازهای جامعه را بشناسند و بر اساس آن به صورت آگاهانه شاخه و رشتهٔ تحصیلی خود را انتخاب کنند

واقعاً ما می‌توانیم به وسیلهٔ این‌ها هدایت تحصیلی دقیقی را اعمال کنیم و بدانیم که فرد دقیقاً به کدام مسیر باید برود؟

ما در طول سالیان گذشته پیوسته راه غلط رفته‌ایم. ما در مورد مثلاً نتایج آزمون‌ها دوتا تست داریم: یکی «پرسش‌نامهٔ رغبت‌سنجی» است و یک «آزمون سنجش استعداد». این آزمون را دکتر محمدنقی براهنی استاندارد کرد و برای آموزش و پرورش ایران ساخت. در اینجا یک سلسله توانایی‌های پایه‌ای که در مجلات به کار ما می‌آید، سنجیده می‌شود؛ مثل معنای واژه و تسلط روی

آن، استدلال کلامی، کفایت اطلاعات، استدلال ادبی، استدلال استنباطی، استدلال منطقی و مانند آن. این سنجش در نهایت به ما می‌گوید که در هریک از این استعدادها پایه‌ای دانش‌آموز چه نمره‌ای گرفته است. ما تا به اینجا استعدادهایی را می‌سنجیم که حتی خود دانش‌آموز هم از آن آگاهی ندارد. معلمان هم از آن آگاهی ندارند. پرسش‌نامهٔ رغبت‌سنجی واضح‌تر است. مثلاً دربارهٔ موضوعات مورد علاقه پرسش می‌کند. چند تست دیگر هم اجرا می‌شود. در یک تست ویژگی‌های آسیب‌شناسی کودکان بررسی می‌شود که تحت عنوان «سلامت روان» است.

**محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم:** شرایط اجرا بسیار اهمیت دارد که رعایت نمی‌شود. آموزش و پرورش آیین‌نامه‌های سختی برای اجرا دارد و رغبت دانش‌آموزان را برای اجرای آزمون و زمان آن در نظر نمی‌گیرد.

و مشاوره تعریف کرده است. تعریف اول ما به طور سنتی از قدیم و زمانی که دورهٔ راهنمایی درست شد، همین بود که بچه‌ها را هدایت کنند به رشته‌ای خاص. الان این هدایت به کلاس نهم منتقل شده است. یعنی هدایت تحصیلی به همان معنا در نهم اجرا می‌شود. ولی همین آیین‌نامه آموزش و پرورش را مکلف کرده است که نظام جامع هدایت تحصیلی را از ابتدایی شروع کند. یعنی آموزش و پرورش در دو سال باید نظام جامع هدایت تحصیلی را از ابتدایی شروع کند تا انتهای دبیرستان. ولی فعلاً همین انتخاب رشتهٔ کلاس نهم

است تا بعداً نظام جامع مشاوره و هدایت تحصیلی را مطرح کنیم.

### انتخاب رشته در پایهٔ نهم

در اینجا آمده است که هدایت باید از ابتدایی شروع شود، ولی امروز صحبت ما انتخاب رشته در کلاس نهم است. در اینجا ملاک‌ها و عوامل انتخاب رشته را ملاحظه می‌فرمایید. برای نظر خود دانش‌آموز، نتایج عملکرد تحصیلی، نتایج آزمون‌های مشاوره‌ای، نظر معلمان، نظر والدین و نظر مشاور امتیاز تعیین شده است. نظر دانش‌آموز ۱۰ درصد، نتایج عملکرد تحصیلی ۳۵ درصد، نتایج آزمون‌ها ۳۰ درصد، نظر معلمان ۱۰ درصد، نظر مشاور ۱۰ درصد و نظر والدین ۵ درصد تعیین شده است. هنوز ما ضوابط چگونگی توزیع این درصدها را نداریم و آموزش و پرورش باید شیوه‌نامهٔ آن را تنظیم کند. منبع انجام این هدایت تحصیلی همین شش مورد است. آیا



احمدی: هدایت  
تحصیلی به معنای کمک  
به دانش آموز در جهت  
عبور موفقیت آمیز از  
تنگناها و گذرگاه های  
تحصیلی و اجتماعی  
به منظور به فعلیت  
رساندن توانایی های  
عقلی و علمی خود،  
و تحقق یک زندگی  
دانایی محور و در نهایت  
رسیدن به سطحی از  
حیات طیبه است

**احمدی:** من توضیحی در مورد دیدگاه خودم بدهم. این سیستم گرچه انتظامی پیدا کرده و مسئله هدایت تحصیلی بر اساس این ابزارها و ملاکها شکل گرفته است، اما من آن را مستقیماً با کار مجلات مرتبط نمی دانم. کودکان به شکل های گوناگون با تحصیل مشکل پیدا می کنند و این مشکلات هیچ کدام در آیین نامه وجود ندارند. هدایت تحصیلی را بر این اساس من این گونه تعریف می کنم: هدایت تحصیلی به معنای کمک به دانش آموز در جهت عبور موفقیت آمیز از تنگناها و گذرگاه های

تحصیلی و اجتماعی به منظور به فعلیت رساندن توانایی های عقلی و علمی خود، و تحقق یک زندگی دانایی محور و در نهایت رسیدن به سطحی از حیات طیبه است. من هدایت تحصیلی را شناسایی هرگونه مانعی در این مسیر و برطرف کردن آن می دانم.

دوره نوجوانی مباحث گسترده ای را به میان می کشد. مثل گرایش بچه ها به طرف دوستان و تحت تأثیر آنها قرار گرفتن و قطع ارتباط با تحصیل و ازدگی از محیط تحصیل با رفتار معلم و ... الان در مدارس خوب ما هم این جور بچه ها را اخراج می کنند. این یک نگاه انسانی به تربیت نیست. ما از پیش دبستانی باید ببینیم بچه ها چه تصویری از معلم و رویکرد حل مسئله دارند. ما از همان دوره باید رویکرد حل مسئله را در بچه ها تقویت کنیم. رویکرد حل مسئله رویکردی دائمی است و تمام رسانه هایی که با بچه ها ارتباط دارند باید این رویکرد را منتقل کنند.

من هدایت تحصیلی را به این معنا مورد تأکید قرار

می دهم و معتقدم که این معنا بسیار اهمیت دارد. البته این معنا از تعیین رشته غفلت نمی کند. منتها با این رویکرد من روش هایی را برای هدایت تحصیلی توصیه می کنم که می توان آن ها را در مجلات هم منعکس کرد. یکی اینکه مشاهده دقیقی از دانش آموزان صورت بگیرد. ارزشیابی توصیفی به این منظور وضع شد که به جای اینکه ما بچه را با نمره ارزیابی کنیم، با قابلیت های گوناگون فردی ارزیابی کنیم. توانایی رهبری، توانایی های مختلف شناختی، هوش های چندگانه، همه در

این ارزشیابی توصیفی شناسایی می شوند. در مورد نبوغ می توان گفت، نبوغ استعدادی خدادادی است که ربطی به آموزش ندارد و آموزش در آن نقش چندانی ندارد. در کشور ما نبوغ تشخیص داده نمی شود. انواع و اقسام نبوغ داریم. بین نبوغ و دیوانگی مرز باریکی وجود دارد، به این خاطر که فرد چیزهایی را می گوید که جامعه نمی فهمد. ولی اینها را چه کسی باید هدایت کند؟ اینها قابلیت هایی هستند که در هدایت تحصیلی دیده نشده اند. من هدایت تحصیلی را به این نحو می بینیم که شامل چهار توصیه است:

۱. مشاهده دقیق دانش آموز.
۲. قرار دادن دانش آموز در موقعیت های شغلی و حرفه ای و موضوعات گوناگون علمی، اجتماعی و فرهنگی. خلایی که ما در آموزش و پرورش داریم، این است که بازدید و اردو داریم، ولی هیچ کدام را با هدف هدایت تحصیلی انجام نمی دهیم. در **روسبیه** برای انتخاب فضانورد، از دوره دبستان فعالیت های هوافضا را به



**نیره شاه‌محمدی، مسئول پژوهش دفتر:** این موضوع دغدغهٔ همیشگی من بوده است و اعتماد زیادی هم به این تست‌ها نداشته‌ام. چون حاصلش را دارم می‌بینم. من در زمان خودم هم اگر به این شکل هدایت می‌شدم، مطمئن هستم که همان مسیر نادرستی را که انتخاب کردم، به من پیشنهاد می‌دادند. فقط می‌خواستم نمونه‌ای را مثال بزنم. در مسابقات مباحثهٔ علمی که اخیراً برگزار شد، یک بخش کارهای جمعی و یک بخش مجلس دانش‌آموزی داشتیم. بچه‌ها باید از طرح و لایحهٔ خود دفاع می‌کردند. یکی از طرح‌ها همین بود که از هدایت نادرست ناراحت بودند و پیشنهاد کارورزی تابستان را داده بودند. در پیشنهادشان هم سه سال اول و سه سال دوم را دیده بودند. طرح خیلی خوبی بود و بچه‌ها الان احساس نیاز بیشتری می‌کنند و طرح‌های خوبی هم پیشنهاد می‌دهند. به‌قدری این طرح را جامع دیده بودند که حتی بودجه را هم پیش‌بینی کرده بودند. یکی از دوستان نقل می‌کرد که در کانادا بچه‌ها در تابستان حتماً شغلی دارند. به این تربیت هم مهارت کسب می‌کنند و هم می‌فهمند به چه کاری علاقه دارند. شاید مورد دوم راهنمایی شما را به این شکل بتوان پیاده کرد.

**احمدی:** ما باید حتماً به این سمت برویم که به فرد نگاه همه‌جانبه شود، نه اینکه بر اساس چند نمره فرد را هدایت کنیم.

**محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان:** من جواب نگرانی‌هایم را نگرفتم. چند نکته را از منظر پدر و مادر و نیز از منظر سردبیر رشد جوان می‌خواهم بگویم. اشکالی در نظام آموزش و پرورش می‌بینم که خودمان هم جزئی از آن هستیم. اشکال هم اینجاست که ما برای فرهیخته‌های جامعه برنامه‌ریزی می‌کنیم و به دنبال آن هستیم که

دانش‌آموزان نشان می‌دادند. سپس بچه‌هایی را که در این زمینه گیرندگی خاصی داشتند و چنین مسائلی را دریافت می‌کردند، آرام آرام جدا می‌کردند و در زمینهٔ آموزش‌های مربوط به فضانوردی هدایت می‌کردند. این اردوها برای تفریح نیست، برای بروز بخشی از شخصیت فرد است. می‌توانیم این موارد را در قالب مقاله در رشد معلم به خوبی انعکاس دهیم. باز دیده‌ها باید جنبهٔ استعدادشناسی داشته باشند. من به عنوان روان‌شناس، هیچ‌کدام از روش‌ها را به اندازهٔ این روش دارای اعتبار نمی‌دانم.

توصیهٔ من این است که یک سال را به عنوان سال هدایت تحصیلی در نظر بگیریم. از ابتدای سال به کودک بگوییم که امسال باید تعیین رشته کند و به دنبال رشته‌ها و مشاغل برود و آن‌ها را بشناسد.

۳. بررسی نمرات و آزمون‌ها.  
۴. مصاحبه با والدین و افرادی که دانش‌آموز را می‌شناسند. والدین در هدایت تحصیلی بچه‌هایشان اغلب از منابع انحرافی بچه‌هایشان را هدایت می‌کنند. والدین باید بچه‌هایشان را آزاد بگذارند.

برای آن افرادی که هر سال خارج می‌شوند و می‌خواهند دکتر، مهندس یا روان‌شناس شوند، برنامه‌ریزی کنیم تا خوب تربیت شوند. آموزش و پرورش باید به هدایت عوام بیشتر فکر کند تا خواص. جامعه فروشنده می‌خواهد و نانوا هم می‌خواهد، ولی ما این‌ها را پرورش نمی‌دهیم. ما هر سال ۴۵۰ هزار دانش‌آموز در رشته تجربی می‌پذیریم. الان فارغ‌التحصیل فرهیخته زیاد شده‌اند و جامعه توان هضم آن‌ها را ندارد. به نظرم هدایت تحصیلی این است که قدری بچه‌ها را از تحصیل دور کنیم و به زندگی و کار کردن ترغیب کنیم. در اغلب پست‌های اداری فرد باید علوم انسانی خوانده باشد، اما کم‌سوادترین افراد را در دبیرستان وارد رشته علوم انسانی می‌کنیم. احساس می‌کنم که آموزش و پرورش باید در این موضوع بازنگری کند و دریابد که هدف ادامه تحصیل نیست، بلکه ورود به زندگی است.

**سپیده چمن‌آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه ۱:** ارزیابی توصیفی قرار بود دبستان را دربر بگیرد، اما در سوم دبستان متوقف شد. شکست خورد چون معلمان توجیه نبودند. کار معلمان این بود که نمره‌های کمی را دسته‌بندی می‌کردند و در قالب ارزشیابی توصیفی وارد کارنامه کنند. اگر قرار است نظام جامع آموزش پیاده شود، باید معلمان توجیه باشند. نمی‌شود ما دستورالعمل صادر کنیم و انتظار داشته باشیم که این اتفاق بیفتد.

نکته دوم اینکه شما گفتید آزمون سنجش استعداد حاوی سؤالاتی است که توانایی‌های مربوط به استعدادهایی را می‌سنجد که در آموزش ما نیست. این هم می‌تواند خوب باشد، ولی به نظرم ممکن است اعتبار نداشته باشد. چون دانش‌آموز اصلاً نمی‌داند چطور باید جواب دهد. مگر اینکه تکرار شود و همراه با فرایندی

باشد که به بچه‌ها توضیح داده شود که از آن‌ها چه چیزی خواسته می‌شود.

نکته مهم دیگر والدین هستند. من فکر می‌کنم ما یادمان می‌رود که نقش والدین سه برابر نقش ماست. بچه‌ها هشت ساعت در مدرسه‌اند و بقیه ساعات شبانه‌روز در منزل هستند. والدین از هر لحاظ مؤثر هستند. وقتی والدین توجیه نباشند و می‌ترسند که بچه وارد جامعه شود، اجرای درست این طور طرح‌ها خیلی سخت می‌شود. واقعاً مهم است که به این زیرساخت‌ها توجه داشته باشیم و خانواده را توجیه کنیم.

نکته آخر این که آقای قربانی درست گفتند که آموزش و پرورش ما برای خواص است. من این‌گونه از دید خودم می‌گویم که ما می‌خواهیم فرهیخته تربیت کنیم، نه شهروند.

**ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد:** واقعیت این است که مخاطبان ما در انتخاب شغل و شیوه تحصیلی دچار اوجاج شده‌اند. نسلی که برخی از آن‌ها خوب درس نمی‌خوانند، در سنین بالاتر دچار بی‌هویتی می‌شوند، چشم‌اندازی برای آینده تحصیلی خود به صورت روشن ندارند و در عین حال، به شکل بیمارگونه به دنبال صورت‌بندی و پیشوندهای تقلبی همچون دکتر و مهندس هستند. یکی از ابعاد مخاطب‌شناسی مجلات، «جامعه‌شناسی مخاطبان» است و این معضل در چارچوب آن می‌گنجد. به نظر می‌رسد در مجلات رشد باید بیش از هر چیز بر مفهوم «ارزش کار و تولید» و «تحصیل هدفمند» تأکید شود. خوش‌بختانه در حوزه‌های یادگیری به مقوله «کارآفرینی» توجه خاصی شده و سیاست کلان آموزش و پرورش اهتمام به تقویت گرایش به تحصیل در حوزه فنی و حرفه‌ای و کار دانش است. اگر در مجلات،

تصویری دلپذیر و خوشایند از کار و تحصیل به بچه‌ها ارائه شود، کار بزرگی شده است.

**حشمتی:** من فکر می‌کنم ما در مجلات رشد و مجلات دانش‌آموزی بحث هدایت تحصیلی را به شکل‌های مختلف داریم انجام می‌دهیم. من می‌توانم با این رویکرد همه مجلات را تحلیل کنم. نگرانی برای این موضوع نیست که ما کاری نکرده‌ایم. شأن مجلات رشد شأن راهنمایی است. اتفاقاً سوگیری ما کاملاً در راستای این نظام هدایت است و از این نظر نگرانی نداریم، منتها باید آن را غنی‌تر کنیم. پیشنهاد من این است که روی مهارت‌های تحصیلی کار کنیم. نسل جدید همان‌طور که آقای نادری می‌گویند، غلط‌آملاهی بسیار زیادی دارد. ما در این قسمت می‌توانیم نقش داشته باشیم. در ارتباط با راهنمای شغلی هم ما کار کرده‌ایم. مجله رشد نوجوان سال‌هاست که روی این موضوع کار می‌کند. یکی از فلسفه‌های تغییر ساختار این بود که طول زمان آموزش عمومی را بیشتر کنند. پس مخاطب شما کسانی هستند که وارد دوره متوسطه دوم می‌شوند. ما باید نگاهمان را دقیق‌تر کنیم و به سمت شناخت بیشتر مخاطب پیش رویم.

**کاظم طلایی، ناظر هنری مجلات رشد:** به نظر من معلمانی که در این زمینه آگاهی ندارند، نباید در آن ورود پیدا کنند.

**علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان:** ما هر موضوع و محوری که برای آن دور هم جمع می‌شویم، از محور اصلی خیلی دور می‌شویم و وارد موضوعات فرعی و مشکلات دیگر می‌شویم. فکر می‌کنم، اگر روی این موضوع بیشتر فکر کنیم، بهتر باشد. همچنین، از آنجا که مشکلات زیادی در جامعه داریم، این مشکلات تعلیم و تربیت ما را مختل کرده‌اند. وقتی با معلمان صحبت

می‌کنیم، در انتهایش به مسائل اقتصادی و مالی می‌رسیم. وقتی با والدین صحبت می‌کنیم، آن‌ها هم مشکلات خاص خودشان را دارند و به شدت گرفتار هستند. بحث هدایت تحصیلی بسیار اهمیت دارد و برای هر معلمی ۱۰ درصد این مأموریت را تعریف کنند، او باید حساس شود و باید از ابتدای کار به این موضوع پرداخته شود.

**شهرام شفيعی، سردبیر رشد دانش‌آموز:** دغدغه‌های شما بسیار درست و دقیق‌اند. در مورد صحبت‌های دوستان هم من چیزی پیدا نکردم که مخالفت کنم. فقط به نکته‌ای به عنوان تلنگر اشاره کنم. یکی اینکه اگر ما می‌خواهیم مدرک‌گرایی را در ذهن بچه‌ها و خانواده‌ها کم ارزش جلوه دهیم، چرا این قدر مدرک می‌خواهیم؟ باید مهارت را جایگزین مدرک کنیم. من شنیده‌ام در آمریکا بیشتر این‌طور است. یعنی اول باید مهارت داشته باشید و اگر مدرک داشته باشید، ارزش افزوده است. دوم اینکه به قول آقای جعفریان، این بحث در اختیارات آموزش و پرورش نیست، ولی ما داریم یک بحث فرهنگی می‌کنیم. نکته دیگر ترویج این تفکر است که نه دین می‌تواند به جای ما فکر کند، نه مدرک می‌تواند به جای ما فکر کند، نه ابزار و نه تکنیک. همه این‌ها وسایلی هستند که اگر از آن‌ها استفاده کنیم، بیندیشیم و تأمل کنیم، می‌توانند به ما کمک کنند. حتی دین‌دارانی که خودشان فکر نمی‌کنند و دینشان به جای آن‌ها فکر می‌کند، مسائل و تعصباتی را که می‌بینیم پیش می‌آورند. پس انسان در هر جایی که قرار دارد باید خودش فکر و تعقل کند. اگر تفاوت بین تفکر و تعقل را بپذیریم، تعقل مهم‌تر از تفکر و پارادایم تفکر است. تعقل آن نسخه انتزاعی است که در آن می‌توانیم هر تفکری داشته باشیم. تعقل در واقع اندیشیدن انتزاعی است. اگر معلمی که سر کلاس

درس می‌دهد، اندیشه‌ای که پشت آموزش و پرورش وجود دارد، مطبوعات و همه تأثیرگذاران فرهنگی بتوانند به دانش‌آموز بفهمانند که در کاری که انجام می‌دهد، مهم این است که احساس خوش‌بختی و رضایت کند و امرارمعاش کند، در حد معقول کار خود را انجام داده‌اند. پس باید فکر کنیم چه شد که همه می‌خواهند دکتر و مهندس شوند. شاید از اینجا بود که ما آمدیم برای هر منصبی یک مدرک قرار دادیم.

**احمدی:** من صادقانه گفتم که این گفت‌وگو را برای نزدیک شدن افکارمان در زمینه این موضوع تلقی کردم و خودم را یک طرف قضیه ندیدم. ولی اگر بخواهیم منطقی به این قضایا نگاه کنیم، ما در اکثر موارد همراه و موافق هستیم. مشکل ما این است که وقتی منطقی فکر می‌کنیم همین کارها را می‌کنیم، ولی در مقام عمل کار دیگری انجام می‌دهیم. من در صحبت‌هایم به دبیرستان و هدایت تحصیلی در این دوره اشاره کردم، اما برداشتی که شد در مورد دانشگاه بود. جامعه‌شناسی این مباحث با آن وقتی که ما منطقی فکر می‌کنیم، متفاوت است. ما سالیان سال است که بر سر این قضیه صحبت کرده‌ایم، ولی عملی نشده است. من با قسمت اعظم صحبت‌هایی که شد موافقم، منتها همین مقوله‌ها را می‌توانیم کمی متفاوت مطرح کنیم.

من خواهشی هم دارم: ما وقتی می‌خواهیم در مجلاتمان کسی را به عنوان الگو نشان دهیم، مثلاً دکتر حسابی را معرفی می‌کنیم، می‌توانیم افرادی را که در مهارت‌های کاری خود موفق بوده‌اند و مدرکی نداشته‌اند معرفی کنیم. همین باعث تشویق می‌شود.